

مسجد و استقلال فرهنگی

محمد سحرخوان

چکیده

نگارنده پس از ارائه تعریف استقلال و اشاره به اهمیت آن، دیدگاه اسلام در مورد استقلال فرهنگی را مطرح و تحت عنوان مسجد و زمین‌ه‌های استقلال فرهنگی آن، اذان را ندای آزادی و استقلال و قبله را نماد استقلال دانسته است و دخالت ندادن بیگانگان در امور مسجد و دفاع و حتی جهاد برای حفظ مساجد را جلوه‌های روشن استقلال فرهنگی اسلامی شناسانده است.

اشاره

برای مفهوم استقلال معانی گوناگونی طرح شده که جامع اشتراك بسیاری باهم‌اند و آن قطع مداخله بیگانگان، رهایی از سلطه استعمار، احیای هویت ملی و دینی است. این‌ها مفاهیمی هستند که از ادبیات در دست، درباره استقلال قابل استنباط است.^۱

میل به استقلال، میلی فطری و درونی است و افراد و جوامع گوناگون در پی هویت و استقلال خویش‌اند و عزت نفس خود را بر هر چیز مقدم می‌دارند و یکی از علت‌های کشمکش‌های عمده میان افراد بشر و جوامع گوناگون همین امر است.^۲

استقلال جنبه‌های حقوقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارد. وجوه گوناگون استقلال بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. بدون تحقق شکل حقوقی حاکمیت ملی نمی‌توان استقلال سیاسی داشت و بدون وجوه استقلال سیاسی نیز هویت فرهنگی مستقل متحقق نمی‌شود. شرط لازم برای استقلال با آزادی سیاسی در صحنه بین‌المللی و امور داخلی، استقلال فرهنگی است؛ یعنی تحول عمیق اعتقادی، فکری و اخلاقی که طبعاً با ترك فرهنگ دیگران و بازگشت به اسلام و فرهنگ غنی و توحیدی آن همراه است.^۳

اهمیت استقلال فرهنگی

استقلال فرهنگی، فکری و مکتبی از مهم‌ترین مسائل هر جامعه است. هر ملتی که از خود مکتبی مستقل و استقلال فکری داشته باشد و زیر بار مکتب‌های بیگانه نرود، حق حیات دارد. هر ملتی که فاقد مکتب مستقل باشد و بخواهد مکتبش را از بیگانه بگیرد یا گرایش به مکتب‌های بیگانه داشته باشد، ناچار تن به بردگی و بندگی بیگانه خواهد داد و در پی آن استقلال فکری و فرهنگی خود را به دست نمی‌آورد.^۴

چنانچه ملتی استقلال سیاسی و اقتصادی به دست بیاورد، ولی استقلال فرهنگی نداشته باشد، آن ملت و جامعه شکست خواهد خورد.^۵

از آن جا که استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگی آن سرچشمه می‌گیرد و فرهنگ، اساسی‌ترین و اصولی‌ترین نقش را در کسب استقلال همه جانبه و حفظ و استمرار آن ایفا می‌کند، لذا اصلاح فرهنگ در رأس تمام اصلاحات قرار دارد و تحول فرهنگی را بزرگ‌ترین تحول در جهت رسیدن به جامعه انسانی سالم و مستقل می‌دانند؛ چرا که فرهنگ بزرگ‌ترین عاملی است که ملت را به تباهی و یا اوج عظمت و قدرت می‌رساند.

اسلام و استقلال فرهنگی

اسلام که دارای يك آیین اعتقادی، عبادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و به‌طور کلی يك نظام کامل و فرهنگی مستقل دارد که از وحی سرچشمه می‌گیرد، جهان‌بینی مخصوصی دارد که زیربنای تمام برنامه‌هایش به‌شمار می‌رود و پرورش فضائل و کمالات انسانی را در

^۱ . استقلال و ضرورت‌های جدید: ص ۶۵ .

^۲ . استقلال و ضرورت‌های جدید: ص ۱۱ .

^۳ . فرهنگ و ازه‌های انقلاب اسلامی: ۸۵ - ۸۷ .

^۴ . پیرامون انقلاب اسلامی: ص ۱۵۸ - ۱۶۷ .

^۵ . همان: ص ۱۷۰ .

رأس تمام برنامه‌های خود قرار می‌دهد.^۶ فرهنگ غنی و انسان‌ساز اسلام به پیروانش استقلال و آزادی بخشیده و در برنامه‌هایش تابع هیچ مکتبی نیست و از پیروانش نیز خواسته تابع هیچ مکتبی جز اسلام نباشند. با توجه به این واقعیت، که تحمیل فرهنگ‌های استعماری و استکباری و جایگزین کردن آن‌ها به جای فرهنگ‌های ملی و مذهبی کشورهای ضعیف و ستم دیده، سرلوحه سیاست‌های سلطه‌گران و قدرت‌های استعماری قرار دارد تا بدین وسیله بتوانند به صورت عمیق‌تر آن‌ها را زیر سلطه خویش در آورند و چون خداوند برای عزت و استقلال مسلمانان اهمیت فراوان قائل است^۷ و حفظ اسلام و عظمت مسلمانان را مبتنی بر حفظ استقلال سیاسی - فرهنگی و دوری از سلطه کافران و مشرکان دانسته است. لذا در قرآن بعد از موضوع جهاد، مسئله‌ای که بسیار روی آن تکیه شده است، موضوع استقلال مسلمانان است و این که کافران بر آنان هیچ‌گونه سلطه و استیلایی نداشته باشند.

«لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا»^۸.

و مسلمانان را از هرگونه تسلیم و ساده‌انگاری و زود باوری در برابر بیگانگان برحذر داشته و خواهان هوشیاری در برابر توطئه‌های دشمنان است و از مسلمانان خواسته در برابر توطئه‌ها و هجوم بیگانگان همیشه در حال آماده باش باشند.^۹

مسجد زمینه‌ساز استقلال فرهنگی در مسجد زمینه‌هایی وجود دارد که نه تنها بر آموزه استقلال فرهنگی مسلمانان تأکید می‌ورزد بلکه زمینه آن را فراهم می‌سازد:

۱ . اذان ندای آزادی و استقلال

هر ملتی در هر عصر و زمانی برای برانگیختن عواطف و احساسات افراد خود و دعوت آنان به وظایف فردی و اجتماعی شعاری داشته است و این موضوع در دنیای امروز به صورت گسترده‌تری دیده می‌شود.

یهودیان، پیروان خویش را برای دعوت به نماز با دمیدن در شاخ آگاه ساختند. مسیحیان در گذشته و امروزه با نواختن صدای ناقوس، پیروان خود را به کلیسا دعوت می‌کنند ولی در اسلام برای این دعوت، از شعار اذان استفاده می‌شود که به مراتب رساتر و مؤثرتر است. صدای اذان به هنگام نماز در مواقع گوناگون از مأذنه شهرهای اسلامی ندای آزادی و نسیم حیات بخش استقلال و عظمت است که گوش‌های مسلمانان راستین را نوازش می‌دهد و یکی از رموز بقای اسلام و یکی از شعائر بزرگ اسلامی و سندی بر ایستادگی آیین و فرهنگ مسلمانان در برابر گذشت قرون و اعصار و دشمنان اسلام است.

شاهد این گفتار، اعتراف صریح یکی از رجال معروف انگلستان است که در برابر جمعی از مسیحیان چنین اظهار می‌داشت:

«تا هنگامی که نام محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله در مأذنه‌ها بلند است و کعبه پابرجاست»

و قرآن رهنما و پیشوای مسلمانان است، امکان ندارد پایه‌های سیاست ما در سرزمین‌های اسلامی استوار و برقرار گردد»^{۱۰}.

۲ . قبله، نماد استقلال امت اسلامی

قبله اهمیت فراوانی دارد، زیرا نماد استقلال امت اسلامی به شمار می‌آید. بیننده خارجی که به اصول و عقاید اسلامی آگاهی ندارد، در حکم خود فقط به مظاهر خارجی آن اعتماد می‌کند و در صورتی که قبله اسلامی همان قبله یهودیان باشد، اسلام را مانند یهودیت به شمار می‌آورد. بنابراین تغییر قبله و جدایی آن از قبله یهود، این برداشت‌های غلط را باطل می‌سازد و شاید شادمانی یهودیان از توجه مسلمانان به قبله آنان یعنی بیت‌المقدس به همین علت بوده که یهودیان گمان می‌بردند مردم میان دین اسلام که پیامبر منادی آن بود با دین آنان فرقی نیابند.

^۶ . مقایسه تئوری‌های مقایسه‌ای: ص ۶۴ .

^۷ . منافقون / ۸ .

^۸ . نساء / ۱۴۱ .

^۹ . نساء / ۱۴۴ .

^{۱۰} . حج و حرمین در تفسیر نمونه: ص ۴۱۱ - ۴۱۲ ؛ دولت رسول خدا: ص ۱۰۸ .

تغییر قبله، این آرزوی آنان را نقش بر آب کرد و به همین جهت یهودیان در برابر اسلام صف‌آرایی کردند؛ قرآن در این باره تصریح کرده و آرا و گفته‌های آنان را منعکس نموده است؛ گروهی از آنان در برابر پیامبر جبهه‌گیری کرده و گروهی دیگر از آنان از پیامبر درخواست می‌کردند که به قبله پیشین خود باز گردد تا او را تصدیق نمایند. آنان با این گفته، جز فریب پیامبر هدف دیگری را دنبال نمی‌کردند، تغییر قبله، نمادی از جدایی کامل یهودیان به‌شمار آمد و راهی ویژه و متمایز از دیگران را که مظهر اسلام و خلاقیت‌های آن بود، آشکار می‌ساخت.^{۱۱}

آیات ۱۴۳ - ۱۵۰ بقره به یکی از تحولات مهم تاریخ اسلام که موجی عظیم در میان مردم پدید آورده، اشاره می‌کند. پیامبر اسلام مدت سیزده سال پس از بعثت در مکه و چند ماه بعد از هجرت در مدینه، به امر خداوند به سوی بیت‌المقدس نماز می‌خواند، ولی بعد از آن، قبله تغییر یافت و مسلمانان مأمور شدند به سوی کعبه نماز بگذارند. بیت‌المقدس، قبله نخستین و موقت مسلمانان بود، لذا پیامبر انتظار می‌کشید که زمان تغییر قبله صادر شود به خصوص این که یهود پس از ورود پیامبر به مدینه، این موضوع را دستاویز خود قرار داده بودند و مسلمانان را سرزنش می‌کردند که اینان استقلال از خود ندارند. این‌ها پیش از آنکه ما به آن‌ها یاد بدهیم اصلاً از امر قبله سر در نمی‌آوردند و نبود قبله، دلیل بر نبود مذهب و مکتب مستقل است.

آیه ۱۴۴ بقره به این امر دلالت دارد و فرمان تغییر قبله در آن صادر شده است:

«ما نگاه‌های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می‌بینیم! اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی باز می‌گردانیم پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن گردانید...».

پیامبر از وابستگی و نداشتن قبله‌ای مستقل برای مسلمانان نگران بودند، لذا با تغییر قبله، استقلال مسلمانان به اثبات رسید و پیامبر خشنود گردید.^{۱۲}

۳. دخیل ندانستن بیگانگان در امور مساجد

قرآن کریم در تبیین یکی از اساسی‌ترین برنامه‌های اجتماعی و سیاسی و عقیدتی عموم مسلمانان را مخاطب قرار می‌دهد و در قالب وظیفه‌ای قطعی می‌گوید:

«ولا تركزوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار و مالکم من دون اللّٰه من اولیاء ثم لاتنصرون».^{۱۳}

«به کسانی که ظلم و ستم کرده‌اند تکیه نکنید (و اعتماد و اتکای شما بر این‌ها نباشد) چرا که این امر سبب می‌شود که عذاب آتش، دامان شما را بگیرد و غیر از خدا هیچ ولی و سرپرست و یآوری نخواهید داشت و هیچ کس شما را یاری نخواهد کرد».

اتکا و اعتماد بر کافران، موجب ضعف و ناتوانی جامعه اسلامی و از دست دادن استقلال و تبدیل شدن به عضوی وابسته و ناتوان می‌گردد، لذا این‌گونه اتکا و اعتمادها و ناکامی و ضعف جوامع اسلامی، نتیجه‌ای نخواهد داشت؛ زیرا اعتماد بر ظالمان در فرهنگ فکری جامعه تدریجاً اثر می‌گذارد و تکیه و اعتماد بر دیگران در شکل وابستگی آشکار می‌شود و این وابستگی خواه از نظر فکری و فرهنگی باشد یا غیر آن، نتیجه‌ای جز اسارت و استثمار به بار نمی‌آورد.^{۱۴}

از آیه فوق استفاده می‌شود که مسلمانان نباید در پایداری بر دین و پیشبرد اهداف آن بر ستمگران اتکا کنند و از آنان یاری طلبند و تکیه بر ستمگران برای گسترش توحید و دین، خروج از حد و مرز تعیین شده است.

ستمگران هرگز اهل ایمان را در رسیدن به هدف‌های توحیدی‌شان یاری نخواهند کرد و تنها با اتکا بر خداوند و یاری طلبیدن از او می‌توان بر دین‌داری پایداری کرد و اهداف دین را پیش برد.^{۱۵}

استفاده از مذهب بر ضد مذهب همواره راه و رسم استعمارگران و دستگاه‌های جبار و منافقان در هر اجتماعی بوده است. برخی از محققان گفته‌اند مسبب ساخت مسجد ضرار

^{۱۱} . دولت رسول خدا: ۱۶۰ .

^{۱۲} . تفسیر نمونه: ج ۱ ، ص ۵۰۹ ؛ تفسیر نور: ج ۱ ، ص ۲۸۹ .

^{۱۳} . سود / ۱۱۳ .

^{۱۴} . تفسیر نمونه: ج ۹ ، ص ۲۶۱ - ۲۶۲ .

^{۱۵} . تفسیر راهنما: ج ۸ ، ص ۲۷۷ - ۲۷۸ .

به وسیله منافقان، نامه‌ی ابوعامر راهب نصرانی به آنان بود که نیرو و سلاح تهیه کنند و مسجدی برای او بسازند تا نزد قیصر روم رفته و سپاهی را برای اخراج پیامبر و یارانش از مدینه با خود به همراه آورد. منافقان در پی نامه ابوعامر تصمیم به ساخت مسجد گرفتند تا افزون بر ایجاد تفرقه بین مؤمنان، محلی برای ورود فرستادگان ابوعامر و در انتظار آمدن وی با سپاه شام باشند؛^{۱۶} لذا پیامبر با آن عظمت و مقام دستور تخریب مسجد ضرار و آتش زدن آن را دادند. برای اینکه مسجد ضرار مسجد نبود، بل در واقع بت خانه و کانون تفرقه و نفاق بود! خانه خدا نبود، خانه شیطان بود و هرگز اسم و عنوان ظاهری واقعیت چیزی را دگرگون نمی‌سازد. درس ارزنده‌ای که از جریان مسجد ضرار و آیات ۱۰۷ سوره توبه فرا می‌گیریم این است که يك كانون فعال و مثبت دینی کانونی است که از دو عنصر مثبت تشکیل شود. نخست شالوده و هدف آن از آغاز پاك باشد «اسس علی التقوی من اول یوم...» و دیگر این که مؤسسان و پاسدارانش افراد پاك و درستکار و با ایمان و مصمم باشند:

«فیه رجال یحبون ان یتطهروا».^{۱۷}

۴ . دفاع و جهاد برای حفظ مساجد

از جمله عوامل مؤثر در تداوم استقلال فرهنگی مساجد، دفاع جامعه از هجمه دشمن از داخل و خارج است قرآن مسلمانان را به دفاع از اسلام و استقلال فرهنگی جامعه اسلامی فرا می‌خواند و خواستار آمادگی نظامی جهت حفظ مکتب و ارزش‌ها و حقوق انسانی مسلمانان است. لزوم آمادگی و تقویت قوای نظامی و تهیه ادوات جنگی برای نبرد با دشمنان خدا، وظیفه‌ای بر عهده‌ی تمام مسلمانان است.

«ولو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد یذکر فیها اسم الله کثیرا».^{۱۸}

آری اگر افراد با ایمان و غیور دست روی دست بگذارند و تماشاچی فعالیت‌های ویران‌گرانه‌ی طاغوت‌ها و مستکبران و افراد بی‌ایمان باشند و آن‌ها میدان را خالی ببینند، اثری از مراکز عبادت الهی نخواهند گذارد و اگر آن‌ها فرصت پیدا کنند، تمام این مراکز را با خاک یکسان خواهند کرد.

در پایان آیه خداوند، وعده نصرت الهی را تکرار و تأکید کرده و می‌گوید: به‌طور مسلم خداوند کسانی که او را یاری کنند و از آیین و مراکز عبادی‌اش دفاع نمایند یاری می‌کند و بدون شك این وعده خدا تحقق یافتنی است. چرا که او قوی و قادر و شکست‌ناپذیر است.

«و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز».^{۱۹}

^{۱۶} . دائرة المعارف قرآن: ج ۲ ، ص ۳۴ ؛ بحارالانوار: ج ۲۱ ، ص ۲۵۷ .

^{۱۷} . تفسیر نمونه: ج ۸ ، ص ۱۴۶ .

^{۱۸} . حج / ۴۰ .

^{۱۹} . تفسیر نمونه: ج ۱۴ ، ص ۱۱۷ .